

پایش کیفی آب بر اساس شاخص‌های تنوع زیستی کفزیان (مطالعه موردی: تالاب شادگان)

چکیده

این مطالعه در سال ۱۳۹۱ در ۶ ایستگاه تعیین شده در تالاب شادگان انجام شد. نمونه‌برداری در دو فصل بهار و تابستان انجام گرفت. نمونه‌برداری شامل نمونه‌برداری از رسوبات بستر و نمونه‌برداری از آب جهت تعیین پارامترهای فیزیکی و شیمیایی آب است. درصد مواد آلی و دانه‌بندی رسوبات نیز تعیین گردید. در طول دو فصل نمونه‌برداری جمعاً ۱۶ گونه از ۵ رده جانوری ماکروبتوزها شناسایی و شمارش شد. در بین رده‌های شناسایی شده بیش‌ترین درصد فراوانی مربوط به رده شکم‌پایان و پس از آن رده دوکفه‌ای‌ها در دو فصل بوده است. نتایج حاصل از بررسی‌های پارامترهای فیزیکی و شیمیایی آب نشان داد که بین ایستگاه‌های مختلف نمونه‌برداری در فصول بهار و تابستان از نظر شوری و EC اختلاف معنی‌داری وجود ندارد ($P > 0.05$) درحالی‌که پارامترهای دما، DO و pH بین ایستگاه‌های نمونه‌برداری و بین دو فصل دارای اختلاف معنی‌داری بودند ($P < 0.05$). بر اساس نتایج حاصل از درصد مواد آلی، بیش‌ترین مقدار درصد مواد آلی رسوبات مربوط به فصل تابستان (10.77 ± 2.13) و پس از آن مربوط به فصل بهار ($9.9/0.087 \pm$) است. نتایج آنالیز آماری نشان داد بین میانگین درصد مواد آلی رسوبات در دو فصل اختلاف معنی‌داری وجود دارد ($P < 0.05$). جهت ارزیابی تنوع زیستی بی‌مهرگان از شاخص‌های تنوع زیستی شانون (H')، شاخص سیمپسون، کامارگو، بریلیون و N1 استفاده شد. نتایج حاصل از آنالیز آماری نشان داد که شاخص‌های N1 و شانون در بین دو فصل اختلاف معنی‌داری دارند ($P < 0.05$). میانگین شاخص شانون در فصل بهار با (3.18 ± 0.08) و در فصل تابستان با (2.79 ± 0.05) به ثبت رسید که نشان دهنده تنوع بالای ماکروبتوزها در فصل بهار است. بیش‌ترین مقدار شاخص سیمپسون و کامارگو در فصل تابستان به ثبت رسید. بالاترین میزان شاخص‌های شانون، بریلیون و N1 در فصل بهار بوده است. همچنین دامنه شاخص تنوع شانون در ایستگاه‌های مورد مطالعه دو فصل مطابق الگوی ولج نشان دهنده کیفیت نسبتاً آلوده آب و وضعیت ناپایدار و نامطلوب اکولوژیکی بویژه در فصل تابستان است.

واژگان کلیدی: تالاب شادگان، ماکرو بتوز، شاخص‌های تنوع زیستی، کفزیان بزرگ جثه

مقدمه

تالاب‌ها با توجه به دارا بودن کاربری‌های مفید چندجانبه، ارزش‌های متنوع و جذابیت‌های خاص و به‌عنوان یکی از خاستگاه‌ها و حامیان تنوع زیستی در کره زمین همواره مورد توجه بوده‌اند. تالاب‌ها زیستگاه طبیعی گونه‌های فراوانی از آبزیان است که هر یکتا حدودی دارای فون و فلور مخصوص به خود می‌باشد. امروزه گسترش فعالیت‌های صنعتی و احیا اراضی، تخلیه پساب‌ها (کشاورزی، صنعتی، خانگی و...) از عوامل مهم در تغییر و کاهش کیفیت این اکوسیستم‌های ذی‌قیمت هستند. به‌طوری‌که در بسیاری از تالاب‌های آلوده، جوامع زیستی با محدودیت مواجه شده‌اند و ذخایر آن‌ها نظیر ماهیان بومی، جلبک‌ها، بی‌مهرگان کفزی و سایر جوامع ساکن آن‌ها رو به نابودی هستند. بنا به عقیده روزنبرگ مهم‌ترین ذخایر آبزی نهرها و رودخانه‌ها، بی‌مهرگان کفزی ساکن آن‌ها می‌باشند که در شبکه‌ی غذایی و تولیدات رودخانه نقش اساسی دارند (Rosenberg, 1999). همچنین برای تعیین کیفیت محیطی رودخانه‌ها و تالاب‌ها و پایش بیولوژیکی آن‌ها به کار می‌روند. در این راستا، موجودات شاخص و عکس‌العمل‌های آن‌ها را نسبت به شرایط محیطی در نظر می‌گیرند. بطورکل محققین، اندازه

حدیث جعفرآقایی^۱

مریم محمدی روزبهانی^{*۱}

عبدالرحمن راسخ^۲

۱. گروه محیط‌زیست، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی،

اهواز، ایران.

۲. گروه آمار و ریاضی، دانشگاه چمران، اهواز، ایران.

* نویسنده مسئول مکاتبات

Mmohammadiroozbahani@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۲۵

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد است.

گیری پارامترهای فیزیکی و شیمیایی آب را به مانند برداشت عکس و بررسی بیولوژیکی (بخصوص ماکرو بنتوزها) را مشابه تهیه فیلم ویدئویی از یک اکوسیستم می‌دانند (Metcalf, 1989). در واقع تنها راه عملی و به صرفه اقتصادی برای تعیین سلامت اکولوژیکی آب‌ها و تعیین اینکه آیا فعالیت‌های انسانی موجب کاهش کیفیت آنها می‌شود، ارزیابی و پایش بیولوژیکی است (Lenat, 1993). ایده اصلی فرایینی زیستی بسیار ساده است زیرا انواع جانداران نهرها در شرایط معین کیفیت آب قادر به حیات‌اند. زمانی که شرایط تغییر می‌کند، مثلاً وقتی که یک تالاب و رودخانه مقادیر قابل توجهی از آلودگی دریافت می‌نماید، فراوانی، توزیع و ترکیب جمعیت موجودات آبی در منطقه مورد اثر تغییر می‌کند اگرچه ماهیان و جلبک‌ها در برنامه‌های فرایینی زیستی کاربرد دارند ولی بی‌مهرگان کفزی از رایج‌ترین ارگانیزم‌های بکار رفته در این مقوله‌اند. جالب است بدانیم که در همین راستا تعداد شاخص‌های زیستی که بر پایه اجتماعات بی‌مهرگان کفزی است حدود ۵ برابر تمام شاخص‌هایی است که در ارتباط با سایر گروه‌ها (جلبک‌ها و ماهیان) وجود دارد. همچنین رینولدسون بیان می‌دارد که بی‌مهرگان کفزی، مؤثرترین گروه بوده و امروزه از اساسی‌ترین اجزای بیولوژی محیط‌های آبی هستند که به کمک آنها و با استفاده از ترکیب جمعیتشان و تکیه بر گروه‌های شاخص، شرایط کیفی آب‌ها مشخص می‌شود (Reynoldson, 1992). بی‌مهرگان کفزی جانوری یا ژئوبنتوزها ساکنان رایج در محیط‌های آبی بوده و حداقل بخشی از چرخه زندگی خود را در بستر آبگیرها سپری می‌کنند و بر روی الک‌های با منافذ ۵۰۰ میکرون (نیم میلی‌متر) باقی می‌مانند (Rosenberg, 1999). چندین ویژگی موجب شده که این موجودات بیشتر مورد توجه متخصصان پایش بوم سازه‌های آبی باشند.

ازجمله این ویژگی‌ها می‌توان به این موارد اشاره نمود: آنها در همه آبگیرها حضور دارند. تنوع گونه‌ای بالایی دارند و با تعداد زیاد گونه‌ها اغلب دارای محدوده وسیعی از حساسیت نسبت به آلاینده‌ها بوده که پاسخ‌های وسیعی به تغییر شرایط مهیا می‌نمایند. ۳- ساکن بستر بوده، جابجایی و حرکت مشخص ندارند. ۴- چرخه زندگی طولانی داشته به‌طوری‌که امکان بررسی و تعیین حدود و وسعت مکانی و زمانی آشفته‌گی‌ها را فراهم می‌آورند. ۵- تغییرات کیفی آب را برخلاف اندازه‌گیری پارامترهای فیزیکی و شیمیایی، به‌صورت دوره‌ای نمایش می‌دهند (Feminella, 1999). اینها همه از مزایایی هستند که برای مطالعات ارزیابی زیستی به بی‌مهرگان کفزی نسبت به سایر گروه‌ها (جلبک‌ها و ماهیان) اولویت می‌بخشد. استفاده از بی‌مهرگان کفزی بر این فرض استوار است که نهرها و رودخانه‌هایی که در فشار آلودگی هستند تنوع کمتری داشته و در آنها گونه‌های مقاوم غالبیت داشته باشند (Wallen, 2002).

از جمله مطالعات عمده که با هدف ارزیابی کیفی آب‌های جاری از جنبه اکولوژیکی و بیولوژیکی در کشور انجام شده است می‌توان به این موارد اشاره نمود: شناسایی و بررسی تنوع گونه‌های نرم‌تنان رسوبات تالاب شادگان، بررسی موجودات بنتوز رودخانه کر و تالاب هور العظیم، تنوع زیستی اجتماعات بنتیک تالاب شیمبار و تأثیر پارامترهای زیست محیطی، بررسی عوامل آلاینده آلی تالاب هورالعظیم با استفاده از فاکتورهای کیفی آب و شاخص‌های زیستی، ارزیابی وضعیت اکولوژیک هور شادگان با استفاده از فون بنتیک. درعین حال در سایر کشورها بررسی‌های این گونه بسیار متعدد است. تالاب شادگان در انتهای جنوب غربی ایران و در مختصات جغرافیایی ۳۰ درجه و ۳۰ دقیقه شمالی و ۴۸ درجه و ۴۵ دقیقه شرقی قرار دارد و دارای وسعتی برابر ۵۳۷۷۰۰ هکتار و متشکل از عرصه‌های آب شیرین، شور و لب‌شور است. آب شیرین تالاب توسط رودخانه جراحی (۹۰٪) و کارون (۱۰٪) تامین می‌شود. تالاب شادگان بزرگ‌ترین تالاب ایران و سی و چهارمین تالاب از ۱۳۲۸ تالاب ثبت شده در فهرست معاهده رامسر و نیز وسیع‌ترین تالاب ساحلی خلیج فارس است. این تالاب به مساحت ۵۳۷۷۳۱ هکتار در منتهی‌الیه مسیر رودخانه جراحی در ابتدای خلیج فارس در جنوب غربی ایران واقع شده است (Scott, 1990). مساحت حوضه آبریز آن ۲۴۳۱۰ کیلومتر مربع است که بیش از ۵۴٪ آن در چارچوب قوانین کشور به‌عنوان پناهگاه حیات‌وحش تحت حفاظت قرار دارد. به سبب گوناگونی و گستردگی زیستگاه‌ها، تالاب از تنوع زیستی بسیار غنی برخوردار است و دارای عملکردهای متنوع هیدرولوژیکی و ژئومورفولوژیکی از جمله کنترل سیلاب، حفاظت سواح، کاهش رسوب، جذب مواد مغذی و سموم محلول در آب رودخانه و تعدیل آب و هوا می‌باشد. تالاب شادگان هنوز تا حد زیادی وضعیت طبیعی خود را حفظ کرده و زیستگاه‌های آن کمتر دست‌خورده است. اما احداث سد مخزنی مارون و به موازات آن طرح‌های توسعه آبیاری در دشت‌های بالادست و تداوم ورود زهاب واحدهای توسعه نیشکر، رژیم طبیعی آن را تغییر خواهد داد (لطفی، ۱۳۸۱). تغییرات اقلیمی چند سال گذشته موجب خشکی زیادی در تالاب

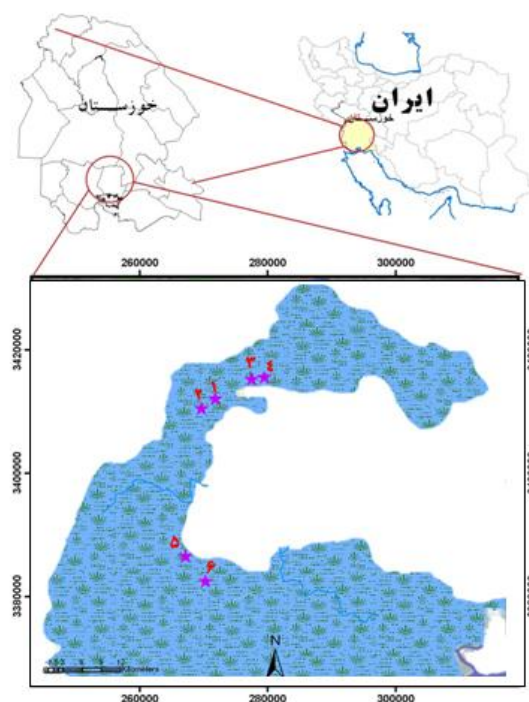
شادگان شده است که تاثیرات بسیار مخربی روی محیط زیست آن داشته است. علاوه بر تحمل رنج شدید خشکسالی، ورود فاضلابها، آلودگی های نفتی، کاهش سطح آب، افزایش میزان فلزات سنگین و تجمع مقادیر زیادی از زباله های غیر قابل تجزیه باعث ایجاد مشکلاتی در روند طبیعی اکوسیستم این تالاب شده است (عبدالملکی و همکاران، ۱۳۸۱). عمده ترین مشکل تالاب شادگان، ورود شش میلیون مترمکعب آب آلوده به تالاب است که ۴۰ تا ۶۰ هزار مترمکعب آن، آب آلوده صنایع فولاد و ۲۰ تا ۲۵ هزار مترمکعب آن پساب نیشکر و همچنین ورود فاضلاب خانگی به تالاب است. هدف از این مطالعه ارزیابی زیستی تالاب شادگان با استفاده از ساختار جوامع ماکروبتیک و شاخص های تنوع زیستی است.

مواد و روش ها

این مطالعه در سال ۱۳۹۱ در دو فصل بهار و تابستان در ۶ ایستگاه تعیین شده بر اساس منابع آلاینده ورودی به تالاب شادگان شامل ۲ ایستگاه در محل ورود زهاب صنایع نیشکر سلمان فارسی و فارابی، ۲ ایستگاه از نهر مالح (روستای خزعلیه) و ۲ ایستگاه از انتهای روستای عبودی (بخش خنافره) که ورود فاضلاب شهری به تالاب است در نظر گرفته شد و موقعیت هر یک با استفاده از دستگاه موقعیت یاب GPS ثبت شد. در شکل ۱ موقعیت ایستگاه های مورد نظر بر روی شکل مشخص شده است. در هر ایستگاه نمونه برداری با چهار تکرار صورت گرفت. نمونه برداری با استفاده از غرب پترسون با سطح مقطع ۲۲۵ سانتی مترمربع انجام شد. از سه تکرار برای شناسایی و شمارش ماکروبتوزها و از یک تکرار برای تعیین دانه بندی و درصد مواد آلی رسوبات استفاده شد. نمونه های مربوط به ماکروبتوز به وسیله الک ۰/۵ میلی متری شستشو داده شده و به وسیله فرمالین ۵ درصد فیکس شدند. پس از انتقال نمونه ها به آزمایشگاه از الکل اتانول ۷۰ درصد برای نگهداری نمونه ها استفاده گردید. جهت رنگ آمیزی نمونه ها از روش (Walton, 1984) استفاده شد. بدین صورت که از محلول ۱ گرم در لیتر رزبنگال برای رنگ آمیزی نمونه ها استفاده شد. گروه های جانوری مختلف با کمک استریومیکروسکوپ و کلیدهای شناسایی فون بنتیک در حد خانواده، جنس و تا حد ممکن گونه دسته بندی و شناسایی شدند. جهت تعیین درصد مواد آلی رسوبات از روش استاندارد معرفی شده (Holme&Mcintyre, 1984) و جهت آنالیز دانه بندی رسوبات با استفاده از روش معرفی شده (Buchannan, 1984) استفاده شد. جهت شناسایی نمونه های ماکروبتوز از کلیدهای شناسایی فون بنتیک استفاده گردید (Barnes, 1987; Jones, 1986; Carpenter and Niem, 1998). همچنین پارامترهای فیزیکی و شیمیایی آب نظیر دما، DO، pH، EC و شوری با سه تکرار توسط دستگاه مولتی متر انجام شد. برای اطمینان بیشتر در مورد اندازه گیری شوری آب تالاب توسط دستگاه رفرکتومتر نیز اندازه گیری شد.

جدول ۱: مختصات جغرافیایی ایستگاه های نمونه برداری

مختصات جغرافیایی		شماره ایستگاه
N	E	
۳۰° ۵۱' ۵۹.۳"	۴۸° ۳۳' ۱۴.۳"	ایستگاه (۱) پساب نیشکر
۳۰° ۵۱' ۵۸"	۴۸° ۳۳' ۱۵.۵"	ایستگاه (۲) پساب نیشکر
۳۰° ۷۵' ۲۷"	۴۸° ۴۰' ۳۶.۷"	ایستگاه (۳) فاضلاب فولاد
۳۰° ۵۰' ۲۵.۵"	۴۸° ۴۰' ۳۷.۴"	ایستگاه (۴) فاضلاب فولاد
۳۰° ۳۷' ۵۲.۵"	۴۸° ۳۸' ۵۹.۳"	ایستگاه (۵) فاضلاب خانگی
۳۰° ۳۴' ۱۱.۷"	۴۸° ۳۹' ۴.۷"	ایستگاه (۶) فاضلاب خانگی



شکل ۱: موقعیت ایستگاه‌های مورد مطالعه در تالاب شادگان ۱۳۹۱

در این مطالعه شاخص تنوع شانون در ایستگاه‌های مختلف محاسبه شده است (Shannon, 1948). مشهورترین و متداول‌ترین آنها شاخص تنوع شانون - وینر (H') می‌باشد که اطلاعات مربوط به تعداد گونه‌های متعلق به یک جمعیت (Richness) و فراوانی نسبی آنها (Evenness) با هم در محاسبه آن لحاظ می‌شود و تخمینی از ترکیب جمعیت کفزیان است و طبق فرمول زیر محاسبه شد:

$$H' = -\sum P_i \ln P_i$$

شاخص سیمپسون: شاخص تنوع سیمپسون در سال ۱۹۴۹ توسط سیمپسون ارائه شده است و در سال ۱۹۷۲ کریس رابطه محاسبه آن را به صورت ذیل ارائه کرد:

$$1 - D = 1 - \sum p_i^2$$

در مواردی که داده‌ها به مجموعه محدودی مربوط باشند، برای اندازه‌گیری تنوع گونه‌ای از فرمول بریلیوین استفاده می‌شود.

$$H = \frac{1}{N} \log \left(\frac{N_i}{n_1! n_2! n_3!} \right)$$

مک آرتور در سال ۱۹۶۵ شاخص شانون وینر را برحسب تعداد گونه به صورت زیر بیان نمود:

$$N_1 = e^H$$

کامارگو در سال ۱۹۹۳ شاخص جدیدی از یکنواختی را پیشنهاد کرد که تحت تأثیر غنای گونه‌ای قرار نداشت و محاسبه آن ساده است. این شاخص نظیر شاخص سیمپسون تأثیر کمی از گونه‌های نادر در پلات‌ها می‌پذیرد (Camargo and Gonzalo, 1993).

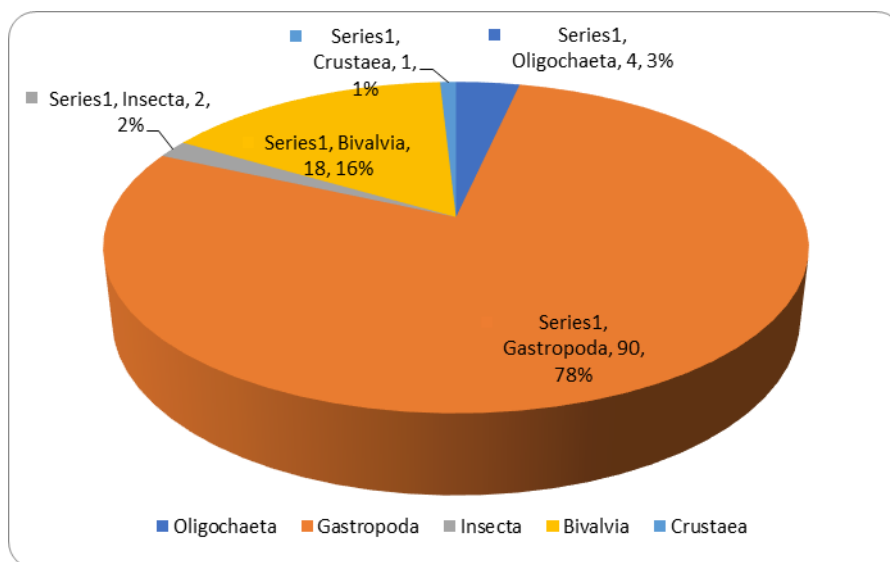
$$E = 1 - \left(\sum_{i=1}^s \sum_{j=i+1}^s \left[\frac{|p_i - p_j|}{s} \right] \right)$$

پس از شناسایی گونه‌ها و جدا نمودن و شمارش گونه‌های مشابه، شاخص‌های تنوع زیستی فوق با استفاده از نرم‌افزار Ecological Methodology برای تمامی ایستگاه‌ها و فصول محاسبه گردید. جهت بررسی آماری داده‌ها، ابتدا با استفاده از آزمون

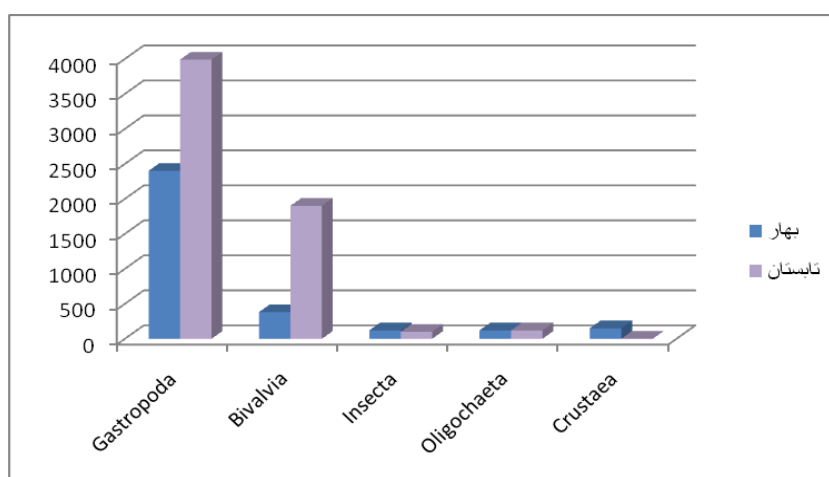
کلموگروف- اسمیرنوف نرمال بودن داده‌ها بررسی شد. جهت بررسی این شاخص‌ها در ایستگاه‌های مورد مطالعه، از آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه (ANOVA) و جهت مقایسه میانگین‌ها در فصول بهار و تابستان از آزمون t مستقل استفاده شد. برای بررسی همبستگی پارامترها نیز از آزمون همبستگی پیرسون با سطح معنی‌داری ۰/۰۵ و ۰/۰۱ استفاده شد.

نتایج

در طول دو فصل نمونه‌برداری جمعاً ۱۶ گونه از ۱۴ خانواده و ۵ رده ماکروبنتیک شناسایی و شمارش شد (جدول ۲). در کل دوره مطالعاتی در مجموع تعداد ۱۵۴۸۹ فرد ماکروبنتوز در مترمربع جمع‌آوری شد. درصد فراوانی گروه‌های مختلف در نمودار (۱) آورده شده است. میانگین فراوانی فصلی گروه‌های ماکروبنتوز در نمودار (۲) نشان داده شده است. فراوانی ماکروبنتوزها در فصل تابستان نسبت به فصل بهار بیشتر بوده است (نمودار ۲). بیشترین درصد فراوانی در هر دو فصل، به ترتیب شکم‌پایان و سپس به دوکفه‌ای‌ها اختصاص داشت. با توجه به نتایج آنالیز آماری مشخص گردید که در فصل بهار برای فراوانی ماکروبنتوزها اختلاف معنی‌داری در بیشتر ایستگاه‌ها وجود دارد ($P < 0.05$) اما در فصل تابستان اختلاف معنی‌داری در ایستگاه‌های مورد مطالعه وجود ندارد ($P > 0.05$). بین دو فصل برای پارامتر فراوانی ماکروبنتوزها اختلاف معنی‌داری وجود دارد ($P < 0.05$). با توجه به آنالیز همبستگی پارامترها مشخص است که در فصل بهار همبستگی مثبت و معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ بین هدایت الکتریکی، Insecta و pH وجود دارد که نشان می‌دهد بالا رفتن EC بر میزان شوری موثر است، بنابراین این دو عامل بر فراوانی Insecta تاثیر مثبت دارد. میزان جامدات محلول در آب در واحد حجم بالاتر رفته که این امر موجب بالا رفتن هدایت الکتریکی آب شده و به دنبال آن زیاد شدن pH و فراوانی خانواده حشرات مشاهده می‌شود. در فصل تابستان همبستگی مثبت و معنی‌دار در سطح ۰/۰۱ بین Bivalvia، Crustaea و Insecta وجود دارد که نشان دهنده تأثیر مثبت ماکروبنتوزها بر فراوانی یکدیگر است.



نمودار ۱- درصد فراوانی کل ماکروبنتوزها در تالاب شادگان (بهار و تابستان ۱۳۹۱)



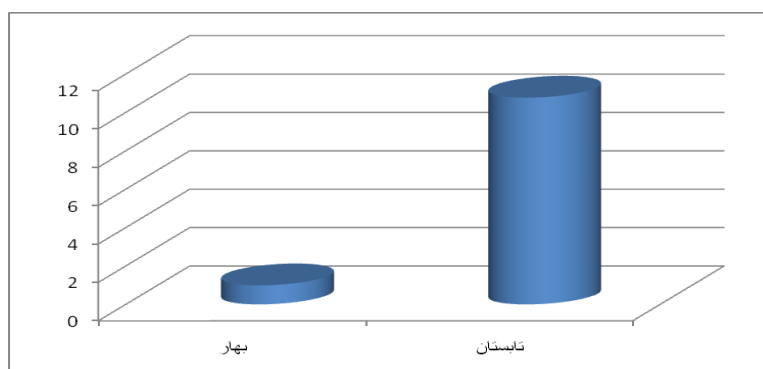
نمودار ۲- میانگین فراوانی فصلی گروه های ماکروبتوز در تالاب شادگان (بهار و تابستان ۱۳۹۱)

جدول ۲- گونه های ماکروبتوز شناسایی شده در تالاب شادگان (بهار و تابستان ۱۳۹۱)

شاخه	Class (رده)	Order (راسته)	Family (خانواده)	Species (گونه)
Mollusca	Gastropoda	Pulmonata	Ancylidae	<i>Ferrisia sp.</i>
			Planorbiidae	<i>Planorbis carinatus</i>
			Physidae	<i>Physa fontinalis</i>
			Lymnae	<i>Stagnicola emarginata</i>
				<i>Lymnae peregra</i>
		Prosobranchia	Hydrobiidae	<i>Potamopyrgus jenkinsi</i>
			Valvatidae	<i>V. Cristata</i>
				<i>V. Piscinalis</i>
				<i>V. Stenotrema</i>
			Pleurocridae	
			Thairidae	<i>Melanoidaes tuberculata tuberculata</i>
	Bivalvia	Cyrenodonata	Sphaeridae	<i>Sphaerium corneum</i>
Arthropoda	Insecta	Diptera	Chironomidae	<i>Chironomus sp.</i>
				<i>Spaniotoma sp.</i>
			Tipulidae	
			Tabanidae	
	Crustacea	Amphipoda	Gammaridae	<i>Pseudomma roseum</i>
Annelida	Oligochaeta	Tubificida	Tubificidae	<i>Limnodrilus hoffmeisteri</i>
				<i>Tubifex tubifex</i>

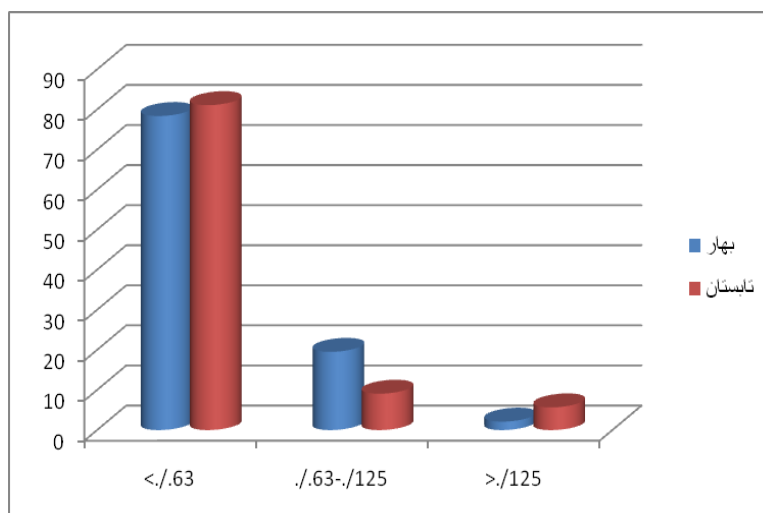
نتایج حاصل از بررسی های فیزیکی و شیمیایی نشان داد که در فصل بهار و تابستان بین ایستگاه های مختلف نمونه برداری از نظر شوری و هدایت الکتریکی اختلاف معنی داری وجود ندارد ($P > 0.05$)، در حالی که پارامترهای دما، DO و pH در بین ایستگاه های نمونه برداری دارای اختلاف معنی داری بودند ($P < 0.05$). همچنین بررسی های آماری نشان داد که بین دو فصل از نظر پارامترهای

pH, EC, DO, دما و شوری اختلاف معنی‌داری وجود دارد ($P < 0.05$). بر اساس نتایج حاصل از درصد مواد آلی، بیشترین مقدار درصد مواد آلی رسوبات مربوط به فصل تابستان (10.77 ± 2.13) و پس از آن مربوط به فصل بهار (0.99 ± 0.87) است. بر اساس نتایج حاصل از درصد مواد آلی، بیشترین مقدار درصد مواد آلی رسوبات مربوط به فصل تابستان (10.77 ± 2.13) و پس از آن مربوط به فصل بهار (0.99 ± 0.87) می‌باشد که ناشی از تفاوت بار آلی وارد شده از طریق رودخانه‌ها به دریا است (نمودار ۳). بیشترین میزان مواد آلی در فصل بهار در ایستگاه ۵ و کمترین در ایستگاه ۶ ثبت شده است. در فصل تابستان بیشترین میزان مواد آلی در فصل تابستان در ایستگاه ۱ و کمترین در ایستگاه ۶ به ثبت رسید. در فصل بهار اختلاف معنی‌داری بین درصد مواد آلی ایستگاه ۵ با سایر ایستگاه‌های مورد مطالعه با یکدیگر وجود دارد ($P < 0.05$) و در فصل تابستان ایستگاه ۱ با سایر ایستگاه‌ها اختلاف معنی‌داری دارد ($P < 0.05$). با توجه به نمودار (۳) بین درصد مواد آلی رسوبات در دو فصل اختلاف معنی‌داری دیده شد ($P < 0.05$).



نمودار ۳- میانگین درصد مواد آلی در کل ایستگاه‌های مورد مطالعه تالاب شادگان (بهار و تابستان ۹۱)

نتایج آنالیز دانه‌بندی رسوبات در ایستگاه‌های مورد مطالعه در فصل‌های بهار و تابستان نشان می‌دهد که بیشترین درصد دانه‌بندی در دو فصل مربوط به ذرات کوچک‌تر از 0.63 میلی‌متر است و در کلیه ایستگاه‌ها میزان رس بالتر از 70% بوده است. به جز در ایستگاه ۴ در فصل بهار که میزان سیلت بالتر از 80% می‌باشد (نمودار ۴). میانگین درصد دانه‌بندی رسوبات در فصل بهار و تابستان در (نمودار ۴) نشان داده شده است. با توجه به نتایج آنالیز آماری مشخص گردید که در فصل بهار ایستگاه ۴ اختلاف معنی‌داری با سایر ایستگاه‌ها دارد ($P < 0.05$). در فصل تابستان برای دانه‌بندی بین ایستگاه‌های مورد مطالعه اختلاف معنی‌داری وجود ندارد ($P > 0.05$). بین دو فصل برای پارامتر دانه‌بندی رسوبات اختلاف معنی‌داری وجود دارد ($P < 0.05$).



نمودار ۴- میانگین درصد دانه‌بندی رسوبات در فصول مورد مطالعه (بهار و تابستان ۱۳۹۱)

نتایج حاصل از آنالیز آماری نشان داد که شاخص های تنوع زیستی (سیمپسون، شانون، کامارگو، بریلیون و N1) در ایستگاه های مورد مطالعه فصل بهار و تابستان اختلاف معنی داری ندارند ($P > 0.05$). با توجه به نتایج آنالیز آماری مشخص گردید که شاخص های N1 و شانون در بین دو فصل اختلاف معنی داری دارند ($P < 0.05$) اما شاخص های کامارگو، سیمپسون و بریلیون در بین دو فصل اختلاف معنی داری ندارد ($P > 0.05$). نتایج بررسی شاخص های زیستی در فصل بهار و تابستان در جدول ۳ نشان داده شده است. بیشترین مقدار شاخص سیمپسون و کامارگو در فصل تابستان به ثبت رسید که بیانگر تنوع بیشتر ماکروبتوزها در فصل بهار است. بالاترین میزان شاخص های شانون، بریلیون و N1 در فصل بهار بوده است که نشان دهنده تنوع بالای ماکروبتوزها است.

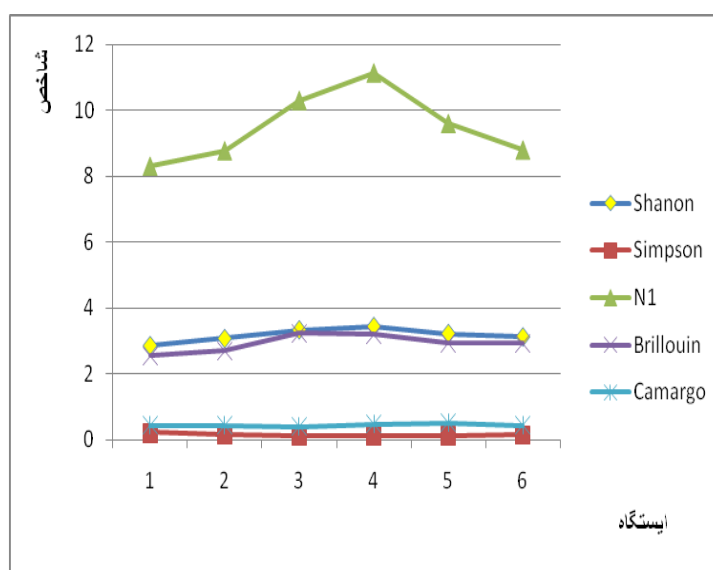
جدول ۳- میانگین فصلی شاخص های تنوع ماکروبتوزها در تالاب شادگان (بهار و تابستان ۱۳۹۱)

شاخص	بهار	تابستان	میانگین سالانه
Simpson	$0.0 \pm 15/01$	$0.0 \pm 18/009$	$0.0 \pm 16/01$
Shanon	$3/0 \pm 18/08$	$2/0 \pm 79/05$	$2/0 \pm 98/19$
N1	$9/0 \pm 47/43$	$7/0 \pm 16/29$	$8/1 \pm 31/15$
Brillouin	$2/0 \pm 91/11$	$2/0 \pm 73/05$	$2/0 \pm 82/09$
Camargo	$0.0 \pm 44/01$	$0.0 \pm 49/01$	$0.0 \pm 46/02$

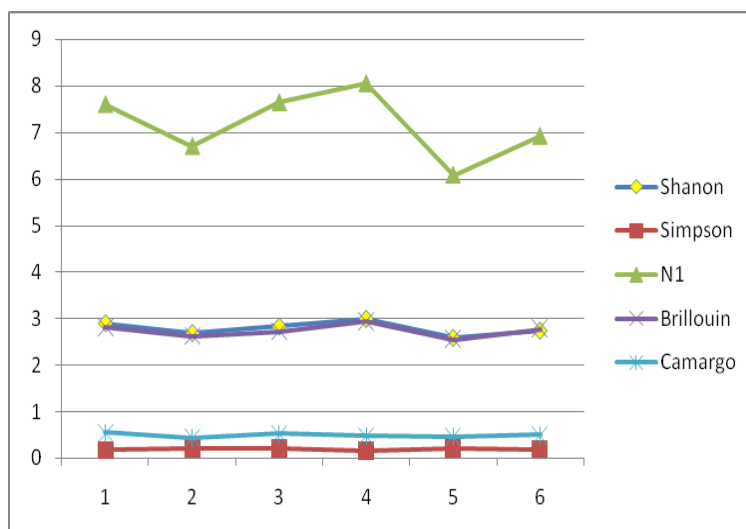
جدول ۴- طبقه بندی کیفی منابع آبی بر اساس شاخص تنوع شان-وینر

شاخص تنوع H'	$H' > 3$	$H' = 1-2$	$H' < 1$
وضعیت آلودگی	غیر آلوده	نسبتاً آلوده	شدیداً آلوده

در نمودارهای ۵ و ۶ تغییرات مقادیر شاخص های زیستی در ایستگاه های مورد مطالعه فصل بهار و تابستان نشان داده شده است.



نمودار ۵- مقایسه شاخص های تنوع ماکروبتوزها در ایستگاه های نمونه برداری تالاب شادگان (بهار ۱۳۹۱)



نمودار ۶- مقایسه شاخص‌های تنوع ماکروبتنوزها در ایستگاه‌های نمونه‌برداری تالاب شادگان (تابستان ۱۳۹۱)

بحث و نتیجه‌گیری

ارزیابی شاخص‌های تنوع بر این فرض استوار است که ساختار جوامع کفزی همراه با آشفتگی‌های محیطی تغییر می‌کند زیرا برخی گونه‌ها بیش از سایرین تحت تاثیر فشار حاصله قرار می‌گیرند. مقدار شاخص شانون طبق نمودارهای ۵ و ۶ در ایستگاه‌های مطالعاتی متغیر بوده است. با توجه به طبقه‌بندی (جدول ۴) در فصل بهار، ایستگاه ۱ (زهاب نیشکر) از نظر آلودگی نسبتاً آلوده و ایستگاه‌های ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ فاقد آلودگی هستند. در فصل تابستان، ۶ ایستگاه مورد بررسی از نظر آلودگی، نسبتاً آلوده است.

اظهار نظر در مورد وضعیت آلودگی آب با الهام از جدول ۴ و بر اساس مقادیر شاخص تنوع (نمودارهای ۵ و ۶) می‌توان اظهار داشت در فصل بهار حجم مواد آلاینده به حدی نیست که در ناحیه مورد مطالعه تغییرات اساسی ایجاد نماید اما در فصل تابستان به دلیل حجم زیاد آلاینده‌های وارده در ایستگاه‌های مطالعاتی، جوامع کفزی بازتاب‌های شدیدتری نسبت به ایستگاه‌های فصل بهار نشان می‌دهند و می‌توان اظهار داشت تالاب شادگان حاوی آلودگی آلی است. نشانگرهای تنوع زیستی (سیمپسون، شانون، بریلیون، N1، کامارگو) در ایستگاه‌های مورد مطالعه هر فصل با یکدیگر اختلاف معنی‌داری نشان ندادند که این امر نشان دهنده شباهت ویژگی‌های بیولوژیک در جوامع بنتیک هر فصل است. در مورد شاخص سیمپسون و کامارگو بالاترین مقدار آن در فصل تابستان و کمترین مقدار آن در فصل بهار مشاهده شد که بیانگر تنوع بیشتر ماکروبتنوزها در فصل بهار است و شامل ۵ رده الیگوکیت‌ها، Gastropoda, Bivalvia, Insecta و Crustacea می‌باشد. اما باید توجه داشت که در مورد شاخص‌های شانون، بریلیون و N1 بالا بودن مقدار شاخص نشان دهنده بالا بودن تنوع و نزدیک بودن مقدار شاخص به صفر نشان دهنده کم بودن تنوع است. در مطالعه حاضر بالاترین میزان شاخص‌های شانون، بریلیون و N1 در فصل بهار بوده که نشان دهنده تنوع بالای ماکروبتنوزها است.

همچنین بیشترین میزان شاخص سیمپسون، در فصل تابستان با (۰/۱۸) و کمترین مقدار آن نیز در فصل بهار با (۰/۱۵) بوده است. بیشترین مقدار شاخص کامارگو در فصل تابستان با (۰/۴۹) و کمترین مقدار آن با (۰/۴۴) در فصل بهار به ثبت رسید. بیشترین مقدار شاخص بریلیون در فصل بهار با (۲/۹۱) و کمترین مقدار آن با (۲/۷۳) در فصل تابستان مشاهده شد. بیشترین مقدار شاخص N1 در فصل بهار با (۹/۴۷) و کمترین مقدار آن با (۷/۱۶) در فصل تابستان به ثبت رسید. همچنین بر اساس وجود گونه‌هایی چون (*Tubifex*, *Chironomus sp.*, *Lymnaea peregra*) که تا حدودی مقاوم به آلودگی هستند (خاتمی، ۱۳۸۳)، می‌توان بیان نمود که ایستگاه‌های مطالعاتی در فصل تابستان از نظر کیفیت وضعیت مطلوبی ندارند. طبق تحقیق (Saunders et al., 2007)، افزایش

آلودگی باعث کاهش تنوع و فراوانی گونه های درشت بی مهرگان کفزی می شود، درحالی که در این مناطق آلوده، گونه های فرصت طلب که شاخصی برای بیان آلودگی هستند غالب می شوند.

فراوان ترین گروه های درشت بی مهرگان کفزی شناسایی شده در تالاب شامل شکم پایان هستند. دلیل فراوانی این گروه در هر دو فصل می تواند به دلیل وجود شرایط محیطی مناسب برای زیست و تولیدمثل این رده باشد. افزایش بیشتر جوامع شکم پا و گروه های مقاوم به آلودگی نشانگر اثرات شدید فاضلاب های کشاورزی، انسانی و صنعتی در ایستگاه های مورد نظر در تالاب شادگان بوده است. نتایج فاکتورهای فیزیکی و شیمیایی نشان می دهد در فصل بهار احتمالاً به دلیل افزایش دبی، آب تالاب کیفیت بالاتری داشته است. یکی از عوامل مهم در کیفیت آب تالاب مقدار اکسیژن محلول می باشد که در بهار از تابستان بیشتر بوده است. در صورتی که محیط فاقد آلودگی باشد، شامل تعداد زیادی از گونه ها خواهد بود، در این حالت تنوع نیز بالا می رود.

در منطقه مورد مطالعه، ورود فاضلاب شهری، فاضلاب صنایع فولاد و صنایع نیشکر به تالاب شادگان با به هم زدن بستر باعث آشفته گی در زیستگاه و اثر بر روی جوامع ماکروبتوز می شود. در شرایط آلودگی و بحرانی و از بین رفتن گونه های حساس اکوسیستم، در نهایت گونه های مدارا کننده باقی خواهند ماند و تنوع گونه ای کاهش می یابد. به طور کل می توان بیان نمود که در منطقه مورد مطالعه در فصل بهار تنوع گونه ای بالاتر از فصل تابستان بوده است. این امر بدین صورت قابل توجیه خواهد بود که در فصل بهار به دلیل مناسب بودن شرایط محیطی، دمای مناسب، وجود مواد مغذی، کم بودن میزان شوری و نوع بافت بستر باعث ایجاد شرایط مطلوب برای زیست گونه های بیشتری شده است.

نتایج مطالعه (طباطبایی و همکاران، ۱۳۸۸) و (ممبینی، ۱۳۸۷) نیز نتایج مشابه را نشان داد. رده کم تاران از گروه های مقاوم به آلودگی هستند. با افزایش بار آلودگی میزان اکسیژن محلول دارای نوساناتی می شود که این خود بسته به میزان آلودگی باعث حذف گروه های حساس و نیمه حساس به آلودگی خواهد شد. در نتیجه گروه های مقاوم به آلودگی غالب خواهند شد (پذیرا و همکاران، ۱۳۸۷: نوری پور، ۱۳۹۰). در مطالعه حاضر مطابق با نمودارهای ۲ و ۳ بیشترین تراکم کم تاران در فصل بهار مربوط به ایستگاه ۲ (پساب صنایع نیشکر) و در فصل تابستان مربوط به ایستگاه ۶ (فاضلاب شهری) می باشد که این نشان دهنده ورود فاضلاب ها به تالاب و افزایش تراکم گروه های مقاوم به آلودگی و بالا رفتن بار آلودگی تالاب است.

در نتیجه عامل اصلی آلودگی تالاب شادگان ورود پساب های خانگی روستاهای اطراف تالاب و همچنین در درجه بعدی اهمیت زهاب صنایع نیشکر و فولاد می باشد. به دلیل حجم زیاد آلاینده های وارده در ایستگاه های مطالعاتی می توان اظهار داشت تالاب شادگان حاوی آلودگی آلی بسیار قابل ملاحظه است. جا دارد جهت حفظ تالاب شادگان به عنوان یک اکوسیستم با اهمیت بین المللی تصمیمات جدی در راستای کاهش بار آلاینده ها، اتخاذ گردد. همچنین به عنوان دستاورد این پژوهش، بررسی ساختار جوامع کفزی به عنوان ابزاری موثر و با صرفه اقتصادی جهت ارزیابی دقیق و سریع کیفیت منابع آبی بخصوص در فصولی که تحت آشفته گی های محیطی قرار دارند، توصیه می گردد. در مجموع استفاده از ساختار جمعیت ماکروبتوزها و تحلیل داده های مربوط به آنها که از لحاظ اقتصادی بسیار مقرون به صرفه است، ارزیابی دقیق و سریعی از کیفیت تالاب بخصوص زمانی که تحت تاثیر استرس های محیطی قرار دارد فراهم می کند.

باتوجه به نتایج به دست آمده، امید است که نسبت به کاهش آلودگی ناشی از فعالیت های ذکر شده و به ویژه پساب های خانگی روستاهای اطراف تالاب تدبیری سازنده و موثر از طرف تصمیم گیران و مدیران مرتبط اتخاذ گردد. از جمله اقدامات اجرایی برای بهبود کیفیت آب تالاب شادگان، می توان به تکمیل و ارتقای شبکه جمع آوری فاضلاب و لزوم تصفیه فاضلاب شهری و روستایی اطراف تالاب و احداث تصفیه خانه های محلی کوچک (پکیج تصفیه فاضلاب) برای روستاهای فاقد سیستم فاضلاب و جلوگیری از تخلیه مستقیم پساب های خانگی به نهرها و رودخانه های منتهی به تالاب و اعمال نظارت و جریمه برای تخلیه غیرمجاز فاضلاب اشاره نمود.

منابع

- پذیرا، ع.، س.م.امامی، ا.کوه گردی، ص.، وطن دوست، ر.، اکرمی، و. ۱۳۸۷. اثر برخی عوامل محیطی بر تنوع زیستی بزرگ بی مهرگان کفزی رودخانه‌های دالکی و حله بوشهر، مجله شیلات ایران، سال دوم، شماره چهارم.
- خاتمی، ه. ۱۳۸۳. بی مهره گان کفزی آبهای شیرین (کلید شناسایی و حساسیت به آلودگی). انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، ۲۰۵ ص .
- طباطبایی، ط.، امیری، ف. و پذیرا، ع. ۱۳۸۸. پایش ساختار و تنوع اجتماعات ماکروبتیک به عنوان شاخص های آلایندهی درخور های موسی و غنام. مجله علمی - پژوهشی شیلات، سال سوم، شماره چهارم، زمستان. صفحات ۲۹-۴۱.
- عبدالملکی، ش. و باقری، س. ۱۳۸۱. بررسی پراکنش و تعیین توده زنده بی‌مهرگان کفزی دریاچه ارس، مجله علمی شیلات، سال یازدهم، شماره ۴، صفحات ۱-۱۱.
- لطفی، ا. ۱۳۸۱. طرح مدیریت زیست محیطی تالاب شادگان گزارش شماره ۱: محیط بوم سازگان تالاب شادگان، وزارت جهاد کشاورزی معاونت آب و خاک، پروژه بهسازی آبیاری، مهندسان مشاور پندام .
- ممبینی، ش. ۱۳۸۷. مطالعه ساختار اجتماعات ماکروبتیک به عنوان شاخص های آلایندهی در رودخانه جراحی محدوده مقبره سید عاشورتا ورودی شهر شادگان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اهواز.
- نوری پور، م. ۱۳۹۰. سنجش تنوع گونه ای و ساختار جمعیتی ماکروبتوزهای رودخانه دز در بازه پل قدیم تا پل حمید آباد دزفول. پایان نامه کارشناسی ارشد محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات خوزستان.

Buchanan, J.B. 1984. Sediment analysis in: Methods for the study of marine benthos. N.A.

Barnes, R.D. 1987. Invertebrate zoology. Fifth Edition, Saunders College Publishing. 893p.

Camargo, J.A., Gonzalo, C. ۱۹۹۳. Physicochemical and biological changes downstream from a trout farm outlet: Comparing 1986 and 2006 sampling surveys, 26 (2): 405-414.

Carpenter, K.E. and Neim, V.H. 1998. Crabs: FAO species identification guide for fishery purposes. The living marine resources of the Western Central Pacific. Volume 2. Cephalopods, crustaceans, holothuridians and sharks. FAO, Rome, pp., 1045-1155.

Feminella, J.W. 1999. Biotic Indicators of water quality the Alabama Watershed demonstration project, Auburn University, 10p.

Holme, N.A. and McIntyre, A.D. 1984. Method for study of marine benthos, second edition, Oxford Blackwell Scientific publication. 387 p.

Jones, D.A. 1986. A field guide to the seashores of Kuwait and the Arabian Gulf. University of Kuwait, Blandford Press. 182p.

Lenat, D. 1993. A Biotic Index for Southern United States, Derivation and List of Tolerance Values with Criteria for assessing Water Quality Ratings, JNABS 12:279- 290.

Metcalfe, J.L. 1989. Biological water quality assessment of running waters based on macroinvertebrate communities: history and present status in Europe. Environmental Pollution. 60: 101-139.

Rosenberg, D.M. 1999. Protocols for Masuring Biodiversity: Benthic Macroinvertebrates in Fresh waters, Department of fisheries and Oceans, Fresh water Institute, Winnipeg, Manitoba, 42p.

Reynoldson, T.B. 1992. An Overview of the assessment of Aquatic Ecosystem Health Using Benthic Invertebrates, Journal of aquatic ecosystem health, 1:295-308.

Scott, D.A. 1990. Wetlands of Iran.

Saunders, J., Al Zahed, Kh.M. and Paterson, D. 2007. The impact of organic pollution on the macrobenthic fauna of Dubai creek (UAE). Marine pollution Bulletin. 54(11):1715-1723. doi: 10.1016/j.marpolbul

Shannon, C. E. 1948. A mathematical theory of communication. Belgium System and Technics Fournishing. pp. 379-423.

Walton, S.G. 1984. Hand book of marine science. Vol,1. CRC Press. Cleveland. pp 117-126.

Wallen, J.K. 2002. Assessment of stream habitat, fish, macroinvertebrates, sediment and water chemistry for eleven streams in Kentucky and Tennessee, Virginia Polytechnic Institute, CATT, 71pp.

Water Quality Monitoring Based on Benthic Biodiversity Indicators (Case Study: Shadegan Wetland)

Hadis Jafar Aghaei¹
Maryam Mohammadi Roozbahani^{1*}
Abdolrahman Rasekh²

1. Department of Environment, Ahv.C.,
Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

2. Department of Statistics and
Mathematics, Chamran University,
Ahvaz, Iran.

*Corresponding author:

Mmohammadiroozbahani@iau.ac.ir

Received date: **December/03/2025**

Accepted date: **January/25/2026**

Abstract

This study was conducted in 2012 at 6 designated stations in Shadegan Wetland. Sampling was conducted in two seasons, spring and summer. Sampling included sampling of bed sediments and water sampling to determine the physical and chemical parameters of the water. The percentage of organic matter and sediment grain size were also determined. During the two sampling seasons, a total of 16 species from 5 macrobenthos orders were identified and counted. Among the identified orders, the highest percentage of abundance was related to the order of gastropods, followed by the order of bivalves in both seasons. The results of the physical and chemical parameters of water showed that there was no significant difference between the different sampling stations in the spring and summer seasons in terms of salinity and electrical conductivity ($P>0.05$), while the temperature, DO and pH and parameters had significant differences between the sampling stations and between the two seasons ($P<0.05$). Based on the results of the percentage of organic matter, the highest percentage of organic matter in sediments was related to the summer season (10.77 ± 2.13) and then to the spring season (0.99 ± 0.87). The results of the statistical analysis showed that there was a significant difference between the average percentage of organic matter in sediments in the two seasons ($P<0.05$). Shannon (H'), Simpson, Camargo, Brillion and N1 biodiversity indices were used to evaluate invertebrate biodiversity. The results of the statistical analysis showed that the N1 and Shannon indices had significant differences between the two seasons. ($P<0.05$). The average Shannon index was recorded in spring with (3.18 ± 0.08) and in summer with (2.79 ± 0.05), which indicates high diversity of macrobenthos in spring. The highest value of Simpson and Camargo indices was recorded in summer. The highest values of Shannon, Brillion and N1 indices were in spring. Also, the range of Shannon diversity index in the studied stations in two seasons according to Welch model indicates relatively polluted water quality and unstable and unfavorable ecological situation especially in summer.

Keywords: Shadegan Wetland, Macrobenthos, Biodiversity indices.